

اوستا

کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی

گزارش و پژوهش
جلیل دوستخواه



انتشارات فروارید

فهرست

	سرآغاز
یک - هفت	پیشگفتار
نه - پنجاه و چهار	کوتاه نوشتها
پنجاه و پنج - پنجاه و هشت	

دفتر یکم / گاهان

۳ - ۸۷	
۵ - ۳۵	سرود یکم - آهونود گاه (یسنه، هاتهای ۳۴ - ۲۸)
۳۷ - ۵۹	سرود دوم - اَشَوَد گاه (یسنه، هاتهای ۴۶ - ۴۳)
۶۱ - ۷۴	سرود سوم - سِینْتَمَد گاه (یسنه، هاتهای ۵۰ - ۴۷)
۷۵ - ۸۱	سرود چهارم - وَهُوَخَشْتَر گاه (یسنه، هات ۵۱)
۸۳ - ۸۷	سرود پنجم - وَهیشْتوایِشْت گاه (یسنه، هات ۵۳)

دفتر دوم / یسنه

۸۹ - ۲۶۸	
۹۱ - ۹۴	سرآغاز
۹۵ - ۱۰۶	یسنه، هاتهای ۲ - ۱
۱۰۷ - ۱۳۵	یسنه، هاتهای ۸ - ۳ (سُرُوشِ ذَرَوَن)
۱۳۶ - ۱۵۴	یسنه، هاتهای ۱۱ - ۹ (هُومِ یَشْت)
۱۵۵ - ۱۵۷	یسنه، هات ۱۲ (هاتِ خَسْتوی)
۱۵۸ - ۱۷۱	یسنه، هاتهای ۱۸ - ۱۳
۱۷۳ - ۱۸۱	یسنه، هاتهای ۲۱ - ۱۹ (بَغانِ یَشْت)
۱۸۲ - ۱۹۶	یسنه، هاتهای ۲۷ - ۲۲
۱۹۷ - ۲۱۲	یسنه، هاتهای ۴۲ - ۳۵ (هفت هات)

یسنه، هات ۵۲ ۲۱۳-۲۱۴

یسنه، هات ۵۴ (نمازِ اَبَرْتَمَنِ ایشیه) ۲۱۵

یسنه، هاتهای ۵۵-۵۶ ۲۱۶-۲۱۹

یسنه، هات ۵۷ (سُروشِ یَشْتِ سَرِشَب) ۲۲۱-۲۲۸

یسنه، هاتهای ۷۲-۵۸ ۲۲۹-۲۶۸

دفتر سوم / یَشْتِها

۲۶۹-۵۱۵

۱. هُرْمَزْدِ یَشْت ۲۷۱-۲۸۰

۲. هَفْتَنِ یَشْتِ کُوجِک ۲۸۱-۲۸۵

(هَفْتَنِ یَشْتِ بزرگ) ۲۸۵

۳. آردبِهَشْتِ یَشْت ۲۸۷-۲۹۲

۴. خُرْدادِ یَشْت ۲۹۳-۲۹۵

۵. آبانِ یَشْت ۲۹۷-۳۲۲

۶. خورشیدِ یَشْت ۳۲۳-۳۲۴

۷. ماهِ یَشْت ۳۲۵-۳۲۷

۸. تیرِ یَشْت ۳۲۹-۳۴۳

۹. گِوشِ یَشْت (دِرِواسِپِ یَشْت) ۳۴۵-۳۵۱

۱۰. مِهْرِ یَشْت ۳۵۳-۳۸۸

۱۱. سُروشِ یَشْتِ هادُخت ۳۸۹-۳۹۵

۱۲. رَشَنِ یَشْت ۳۹۷-۴۰۴

۱۳. فَرُورْدینِ یَشْت ۴۰۵-۴۳۰

۱۴. بَهرامِ یَشْت ۴۳۱-۴۴۵

۱۵. رامِ یَشْت ۴۴۷-۴۵۹

۱۶. دینِ یَشْت ۴۶۱-۴۶۵

۱۷. آرتِ یَشْت (اَشیِ یَشْت) ۴۶۷-۴۷۹

۱۸. اَشْتادِ یَشْت ۴۸۱-۴۸۳

۱۹. زامیادِ یَشْت (کیانِ یَشْت) ۴۸۵-۵۰۳

۲۰. هومِ یَشْت ۵۰۵-۵۰۶

۲۱. وَنَدِ یَشْت ۵۰۷

«هادُخت نَسک» (پیوستِ یَشْتِها) ۵۰۹-۵۱۵

دفتر چهارم / ویسپَرْد

۵۱۷-۵۷۶

کرده یکم ۵۱۹-۵۲۲

کرده دوم ۵۲۳-۵۲۶

کرده سوم ۵۲۷-۵۳۰

کرده چهارم ۵۳۱

کرده پنجم ۵۳۳-۵۳۴

کرده ششم ۵۳۵

کرده هفتم ۵۳۷-۵۳۸

کرده هشتم ۵۳۹

کرده نهم ۵۴۱-۵۴۲

کرده دهم ۵۴۳-۵۴۴

کرده یازدهم ۵۴۵-۵۴۸

کرده دوازدهم ۵۴۹-۵۵۰

کرده سیزدهم ۵۵۱-۵۵۲

کرده چهاردهم ۵۵۳-۵۵۴

کرده پانزدهم ۵۵۵-۵۵۶

کرده شانزدهم ۵۵۷-۵۵۸

کرده هفدهم ۵۵۹

کرده هیجدهم ۵۶۱-۵۶۲

کرده نوزدهم ۵۶۳-۵۶۴

کرده بیستم ۵۶۵-۵۶۶

کرده بیست و یکم ۵۶۷-۵۶۹

کرده بیست و دوم ۵۷۱

کرده بیست و سوم ۵۷۳-۵۷۴

کرده بیست و چهارم ۵۷۵-۵۷۶

دفتر پنجم / خُرْدِه اوستا

۵۷۷-۶۵۰

سه نیایش آغازین ۵۷۹

نیرنگِ گشتی بَسْتَن ۵۸۱-۵۸۲

سُروشِ باژ ۵۸۳-۵۸۶

۵۸۷ — ۵۸۸	هوشبام
۵۸۹ — ۶۰۸	پنج نیایش
۵۸۹ — ۵۹۵	۱. خورشید نیایش
۵۹۷ — ۵۹۸	۲. مهر نیایش
۵۹۹ — ۶۰۰	۳. ماه نیایش
۶۰۱ — ۶۰۳	۴. آردو بسوربانو نیایش (آبان نیایش)
۶۰۵ — ۶۰۸	۵. آتش بهرام نیایش
۶۰۹ — ۶۲۷	پنج گاه
۶۰۹ — ۶۱۱	۱. هاونگاه
۶۱۳ — ۶۱۵	۲. رَپِئوینگاه
۶۱۷ — ۶۱۹	۳. اَزرینگاه
۶۲۱ — ۶۲۴	۴. آویسروئرمگاه
۶۲۵ — ۶۲۷	۵. اُشهنگاه
۶۲۹ — ۶۳۱	سی روزه کوچک
۶۳۳ — ۶۳۶	سی روزه بزرگ
۶۴۱ — ۶۴۲	آفرینگانِ گاهان
۶۴۳ — ۶۴۷	آفرینگانِ گَهَنبار
۶۴۹ — ۶۵۰	آفرینگانِ رَپِئوین
۶۵۱ — ۸۸۸	دفتر ششم / وندیداد
۶۵۳ — ۶۵۸	پیشگفتار
۶۵۹ — ۶۶۴	فرگرد یکم
۶۶۵ — ۶۷۴	فرگرد دوم
۶۷۵ — ۶۸۶	فرگرد سوم
۶۸۷ — ۷۰۱	فرگرد چهارم
۷۰۳ — ۷۱۸	فرگرد پنجم
۷۱۹ — ۷۲۸	فرگرد ششم
۷۲۹ — ۷۴۴	فرگرد هفتم
۷۴۵ — ۷۷۰	فرگرد هشتم
۷۷۱ — ۷۸۱	فرگرد نهم

۷۸۳ — ۷۸۷	فرگرد دهم
۷۸۹ — ۷۹۳	فرگرد یازدهم
۷۹۵ — ۷۹۹	فرگرد دوازدهم
۸۰۱ — ۸۱۵	فرگرد سیزدهم
۸۱۷ — ۸۲۳	فرگرد چهاردهم
۸۲۵ — ۸۳۴	فرگرد پانزدهم
۸۳۵ — ۸۳۹	فرگرد شانزدهم
۸۴۱ — ۸۴۴	فرگرد هفدهم
۸۴۵ — ۸۶۰	فرگرد هیجدهم
۸۶۱ — ۸۷۴	فرگرد نوزدهم
۸۷۵ — ۸۷۸	فرگرد بیستم
۸۷۹ — ۸۸۳	فرگرد بیست و یکم
۸۸۵ — ۸۸۸	فرگرد بیست و دوم
۸۸۹ — ۱۱۹۵	پیوست
۸۹۱ — ۱۰۹۲	یادداشتها
۱۰۹۳ — ۱۱۱۸	فهرست واژه‌ها و ترکیبها
۱۱۱۹ — ۱۱۲۵	کتابنامه اوستا و مزدیسنا
۱۱۲۷ — ۱۱۳۹	فهرست کتابها و گفتارهای مأخذ و مرجع
۱۱۴۱ — ۱۱۹۵	فهرست نامها و کلید — واژه‌ها

اوستا، میراث مشترک فرهنگی جهانیان، کهن‌ترین نوشتار ایرانیان و نامهٔ دینی مزدپرستان است. بخشهای گوناگون این مجموعهٔ کهن، از زمانی در حدود نیمهٔ هزارهٔ دوم پیش از میلاد به بعد پدید آمد و در طول سده‌های متوالی از نسلی به نسلی دیگر رسید تا سرانجام در روزگار ساسانیان، آنچه از آن برجا مانده بود، به خطی به نام «دین دبیره» به نگارش درآمد و شکلی منظم و مدون یافت.^۱ اما رویدادهای بعدی مانع از آن شد که این مجموعه، دست نخورده و به همان صورت تدوین شده در عصر ساسانی به نسلهای پسین برسد و بجز «گاهان پنجگانهٔ زرتشت» و «وندیداد» — که همهٔ آن باقی مانده است — از دیگر بخشهای کتاب، بیش از یک چهارم آنها موجود نیست.

آنچه امروزه به نام «اوستا» در دست داریم و از چند سده پیش از این در دانشگاهها و مراکز علمی بزرگ جهان محور پژوهشهای «اوستاشناختی» بوده، به سبب کاهشها و افزایشها و جابجاییها و دستکاریهای فراوانی که در طول تاریخ در آن راه یافته، نابسامان و ناهمگون است. از همین رو پژوهش در این نامهٔ کهن و شناخت دقیق مفاهیم و رازها و اشاره‌های آن، کاری است دشوار و با آن که بسیاری از پژوهندگان و دانشوران، همهٔ زندگی خود را برسر این سودا گذاشته‌اند، هنوز هم پیچیدگیها و گره‌های ناگشوده در آن کم نیست.

در طول بیش از یک هزارهٔ اخیر، دست‌نویسهای بازماندهٔ اوستا تنها به صورت متنهای ورجاوند دینی زرتشتیان، در ایران و هندوستان در اختیار خود آنها بود و در آیینهای مذهبی ایشان

۱. امروزه به‌طور قطع روشن نیست که پیش از این نگارش دین دبیره، اوستا به چه خط یا خطهای دیگری نگاشته شده بوده است.

خوانده می‌شد و دیگران یا از وجود آنها هیچ خبری نداشتند و یا از راه اشاره‌ها و یادآوریه‌های پراکنده، مطالب افسانه‌گونه و بی‌بنیادی درباره‌ی آنها به خاطر سپرده بودند.

در اوایل سده‌ی کنونی در پی پژوهشهای چند قرنی دانشوران پارسی و اروپایی، استاد «ابراهیم پورداود» پیشگام و بنیادگذار دانش «اوستاشناسی» در ایران شد و چند ده سال به سختی در این راه کوشید و همزمان با او و پس از وی، دیگران نیز رهرو این راه شدند و آثاری ارزشمند و روشنگر پدید آوردند. با این حال مجموع این کوششهای سزاوار و ستودنی، به‌طور عمده در حوزه‌های دانشگاهی و نزد فرهیختگان جامعه محدود ماند و آنچنان که باید و شاید، در گستره‌ی فرهنگ همگانی راه نیافت و دیوار حایل میان نسل کنونی و فرهنگ کهن ایران — اگر نه به بلندی و ستبری قرنهای گذشته — همچنان بر پاست.

«پورداود» خود این کمبود را دریافته بود و بیش از بیست و پنج سال پیش از این، هنگامی که نگارنده این سطور در دانشگاه تهران افتخار شاگردی او را داشت، کار ویرایش گزارش اوستای خود را به وی واگذاشت تا کتابی با نگارش ساده و روان فارسی امروزی، همراه با یادداشتهای توضیحی کوتاه به منزله «کتاب پایه‌ی اوستاشناسی» برای عموم کتاب‌خوانان ایرانی فراهم آورد. حاصل آن کوشش، به سبب پاره‌ای محدودیتها، کتاب گزیده‌ای شد که هنوز نارساییهایی داشت و همه متن اوستای موجود و یادداشتهای لازم درباره‌ی آن را شامل نمی‌شد و در یک سخن، پاسخ‌گوی همه پرسشهای خواننده چنین کتابی نبود.

پس از انتشار آن گزیده، استاد به نگارنده سفارش کرد که کار را تمام شده نپندارد و بکوشد تا در آینده و در فرصتی مناسب، گزارشی سرتاسری و انتقادی از گاهان و همه بخشهای اوستای نو با یادداشتهای توضیحی درخور و بسنده و با بهره‌گیری از همه منابع و مآخذی که در این زمینه هست، تدوین کند. نگارنده نیز این سفارش و رهنمود استاد خویش را آویزه گوش کرد و به سودای به انجام رسانیدن وظیفه‌ای فرهنگی، کار را از همان زمان پی گرفت و از هیچ کوششی در این راه بازنیاستاد.

چند سال پس از درگذشت استاد، فرصت خوبی پیش آمد و یکی از سازمانهای نشر کتاب، نگارنده را به همکاری برای تهیه چنین کتابی فراخواند و او نیز این دعوت را پذیرفت و پس از سالها کار و کوشش، گزارش گزیده‌ای را که آماده کرده بود، به ناشر سپرد و کار چاپ آن نیز با امکانات فنی و چاپی مطلوب، به زودی آغاز شد و تا پایان ادامه یافت؛ ولی از بد حادثه، درست در آستانه انتشار کتاب، بر اثر پاره‌ای دگرگونیها در درون سازمان ناشر کتاب، کار نشر آن به عهده تعویق افتاد و حوادث بعدی نیز در مسیری جریان یافت که پس از آن همه تلاش، سرانجام کتاب چاپ شده «اوستا، کهن‌ترین نوشته ایرانیان»، به صورت «کتاب» به دست خوانندگانش نرسید.

اما حکایت همچنان باقی بود و «خویشکاری» نگارنده ناورزیده ماند. همه کار و کوشش بی‌ثمر مانده، باید از نو آغاز می‌شد که شد و سالها ادامه یافت تا گزارش کنونی شکل گرفت و به نگارش درآمد.

ضرورت انتشار گزارش ویراسته‌ای از «اوستا»، امروز هم — اگر نه بیشتر از ربع قرن پیش از این، به همان اندازه — باقی است. چنین گزارشی در شکل پذیرفتنی خود، باید گاهان پنجگانه زرتشت و همه دیگر نوشتارهای موجود اوستایی (پنج دفتر اوستای نو) را دربر گیرد؛ نگارشی متناسب با درون‌مایه و سبک و انشاء هریک از بخشهای متن اصلی و مبتنی بر دقت کافی در حفظ مفاهیم اندیشگی و آموزه‌های اخلاقی و دینی و بُن‌مایه‌های اساطیری و کلید-واژه‌های گاهانی و تعبیرها و اصطلاحهای اوستایی داشته باشد و در حد نخستین گام، با بیانی ساده و روان و دریافتنی، پرسشهای خواننده پژوهنده امروزی را پاسخ گوید.

نگارنده کوشیده است تا در مجموعه حاضر، این «خویشکاری» را عهده‌دار شود و بدین منظور، کارهای پیشین خود را یکسره به کناری نهاده و همه کار را از نو بردست گرفته است. وی، تکامل دانش «اوستاشناسی» را بر بنیاد پژوهشهایی که در خود «اوستا» و یا در «ادبیات پارسی میانه» (وابسته به اوستا و مزدیسنا) در چند دهه اخیر در جهان و ایران صورت پذیرفته، در نظر داشته و تا آنجا که امکان یافته و توانسته، برداشتهای نو را — که برخی از آنها به‌طور نسبی و بعضی دیگر به تحقیق بر دریافتهای برداشتهای پیشین ترجیح دارد — در کار آورده است. او آنچه را که در سده‌های پیش و در نخستین دهه‌های این قرن، به اندازه پیشرفت آن روزی دانش «اوستاشناسی» نوشته شده است، حجت بالغ و برهان قاطع تلقی نکرده و شأن علمی و ارج فرهنگی کار را در پویایی نظرها و دریافتهای دانسته، نه در حفظ آیه‌وار یک سلسله برداشتهای خاص. این جنبه پژوهشی کار، هم در برگردان متن و هم در زیرنویسها و یادداشتهای توضیحی پایان کتاب، رعایت شده است.

با این همه، او می‌داند که نتیجه کارش به رغم همه دقتها و وسوسها — نسبی است و خالی از چون و چرا نخواهد بود؛ زیرا امروزه دیگر بر اهل تحقیق روشن است که در کار پژوهشی، امکان کمال‌یابی مطلق وجود ندارد و بویژه در چنین زمینه خطیری، جای هیچ گونه لاف و گزاف و ادعایی نیست.^۱

۱. «نیبرگ» ایران‌شناس سخت‌کوش و بنام سوئدی پس از دهها سال کار و کوشش دانشورانه، درباره دشواری درک و دریافت مفهوم «گاهان» می‌نویسد: